

مؤلفه‌های شرق‌شناسانه با رویکرد نشانه‌شناسی در کاشی‌هایی با نقوش باستان‌گرایانه

مطالعه کاشی‌های پنج عمارت قاجاری در شیراز

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ | تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

فائزه دانش^۱

گلناز کشاورز^۲

چکیده

بسیاری از آثار هنری عصر قاجار، از جمله کاشی‌کاری، نقش‌مایه‌های هنر ایران باستان را بازتاب می‌دهند. این در حالی است که دوران پهلوی اول را دوره تاریخی باستان‌گرایی در هنر معاصر ایران معرفی می‌کنند؛ اما شرایط تاریخی و اجتماعی خاص دوران قاجار را می‌توان زمینه‌ساز این جریان در سال‌های بعد دانست. تأثیر شرق‌شناسی و فعالیت‌های باستان‌شناسان اروپایی در این گرایش موضوعی در هنر قاجار مؤثر بوده است. رویکرد نشانه‌شناسانه نقش‌مایه‌های باستان‌گرایانه قاجار به تشخیص مؤلفه‌های شرق‌شناسی در نمونه مورد پژوهش یاری خواهد رساند. کاشی‌کاری‌های قاجار بهترین بستر برای ردیابی گرایش‌های باستان‌گرایانه در معماری قاجارند. نمونه‌هایی از کاشی‌کاری‌های باستان‌گرایانه از پنج عمارت قاجاری شیراز در این پژوهش بررسی شده است. هدف از پژوهش دسته‌بندی نشانه‌های باستان‌گرایانه کاشی‌های قاجار به منظور استخراج مؤلفه‌های شرق‌شناسانه آن است. سؤال پژوهش این است که چه مؤلفه‌ها و نشانه‌هایی را می‌توان در تشخیص جریان شرق‌شناسی در نمود باستانی‌گرایانه نقوش کاشی‌کاری‌های دوران قاجار تشخیص داد؟ بر اساس مطالعات، این فرضیه مطرح شد که احتمالاً آثار باستان‌گرایانه قجری نشانه‌ای نمایه‌ای از تأثیر گرایش‌های شرق‌شناسانه در هنر این دوران است. یافته‌های پژوهش، ضمن تأیید فرضیه، مشخص کرد که مؤلفه‌ها و نشانه‌های شرق‌شناسانه در نمونه‌های بررسی شده شامل نقوش تزئینی باستانی، نقش برجسته و بناهای باستانی، مؤلفه‌های فیگوراتیو باستانی، مؤلفه‌های مشروعیت‌بخش و مؤلفه‌های شخصیت‌های اساطیری است. همچنین مشاهده مستقیم نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسان در مناطق باستانی شیراز و کپی‌برداری از این آثار را می‌توان از عوامل رواج نقوش باستان‌گرایانه در عمارت‌های قاجاریه شیراز دانست. در این پژوهش، با روش تحلیلی و توصیفی و با تأکید بر روش نشانه‌شناسی لایه‌ای، نمونه آثار مدنظر از عمارت‌های شیراز بررسی شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای همراه با مشاهدات نویسنده از نمونه کاشی‌های مدنظر بوده است.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، شرق‌شناسی، باستان‌گرایی، کاشی، قاجار

مقدمه و بیان مسئله

باستان‌گرایی پدیده‌ای است که در دوران قاجار در عرصه فرهنگ، اجتماع، سیاست و هنر جامعه ایرانی پدیدار شد و طی چندین دهه، به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم فکری و فرهنگی

۱. کارشناس ارشد گرافیک، مؤسسه آموزش عالی مازیار، دانشکده هنر و معماری، مازندران، رویان، ایران (نویسنده مسئول): daneshfaeze06@gmail.com

۲. دکتری پژوهش هنر، مدرس دانشگاه علم و فرهنگ



در میان اندیشمندان، محصلان و مأموران سیاسی ایرانی آشنا با غرب بود که تحت تأثیر فعالیت‌های شرق‌شناسانه^۱ و به‌خصوص باستان‌شناسانه اروپاییان قرار داشت. ملی‌گرایی، به‌منزله مفهومی مدرن در غرب، در ایران آن دوره تعریف و جایگاه مشخصی نداشت و باستان‌گرایی نخستین راه‌حل برای بیان تعریفی مدرن از مفهوم ملت ایرانی به‌نظر می‌رسید. مشاهده نمونه کاشی‌های باستان‌گرایانه عمارت‌های شیراز این سؤال را در نظر نگارنده مطرح کرد که چه مؤلفه‌ها و نشانه‌هایی را می‌توان در تشخیص جریان شرق‌شناسی در نمود باستان‌گرایانه نقوش کاشی‌کاری‌های دوران قاجار تشخیص داد؟

از آنجا که این نقوش همچون نشانه‌هایی دال بر تمایلات باستان‌گرایانه در آن دوران است، تفسیر آن‌ها با رویکرد نشانه‌شناسانه، ضمن ایجاد منطق مطالعه نمونه‌ها، به استخراج و دسته‌بندی مؤلفه‌های شرق‌شناسانه متناسب با فرضیه پژوهش نیز یاری خواهد رساند: «احتمالاً آثار باستان‌گرایانه قجری نشانه‌ای نمایه‌ای از تأثیر گرایش‌های شرق‌شناسانه در هنر این دوران است. این گرایش نشانه‌ای تفسیرشدنی بر اساس رویکردهای شرق‌شناسانه دیده شده است؛ زیرا از دیدگاه روشنفکران این دوران، راه برون‌رفت از عقب‌ماندگی ایران توسل به تمدن اروپا بود (ریاضی، ۱۳۹۵: ۴۱) و تمدن اروپا نیز خوانش شرق‌شناسانه‌ای از فرهنگ و تمدن ایران را تأیید می‌کرد. از آنجا که مفهوم ملت مربوط به دولت‌های مدرن غربی بود، نظر غربیان درباره ایران نیز می‌توانست بستر مناسب شکل‌گیری این مفهوم در ایران تلقی شود. به این ترتیب، نتایج فعالیت‌های شرق‌شناسانه اروپاییان که به تأکید بر پیشینه باستانی ایرانیان منجر شده بود مورد توجه روشنفکران ایرانی قرار گرفت.

روش انجام پژوهش

در این پژوهش، با روش تحلیلی و توصیفی و از طریق رویکرد نشانه‌شناسانه لایه‌ای، نمونه آثاری از عمارت‌های شیراز بررسی شده است. همان‌طور که گفته شد، نقوش باستان‌گرایانه قاجاری همچون نشانه‌هایی تفسیرشدنی ارتباطشان را با مؤلفه‌های باستان‌گرایانه مشخص می‌کنند. تحلیل نشانه‌ها در روش لایه‌ای به استخراج شبکه‌های مؤثر در شکل‌گیری معنای نشانه کمک می‌کند (سجودی، ۱۳۸۳: ۱۵). در تأویل نشانه‌ها، در مرحله نخست، محسوس‌ترین جلوه‌های اثر که طبق نظر ضیمران متضمن شناسایی نقش‌مایه است تحلیل می‌شوند. در مرحله دوم، تحلیل بر اساس زمینه‌های آفرینش اثر هنری است که شامل نگاره‌پردازی می‌شود. مرحله آخر تحلیل درون‌مایه‌ها و معنای ذاتی اثر هنری است و تأویل یا نگاره‌شناسی در این مرحله صورت می‌گیرد (ضیمران، ۱۳۸۲: ۱۹۰). آدامز (۱۳۸۸: ۱۶۷)

بر این نظر است که وجه نمایه‌ای در هر اثر هنری را می‌توان در عناصری از سبک، فن کاربرد رنگ، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اثر و پاسخ بیننده و سندهای مرتبط با اثر دید. بدین ترتیب، می‌توان وجه نمایه‌ای آثار مورد پژوهش را چارچوبی برای تشریح الگوهای مشترک تصاویر باستان‌گرایانه برای استخراج لایه شرق‌شناسی در آن‌ها دانست.

در نمونه‌های مطالعاتی این پژوهش، این سه مرحله تحلیل همراه با تطبیق مؤلفه‌های شرق‌شناسانه بر نشانه‌های باستان‌گرایانه صورت پذیرفته است تا در تأویل بتوان به امکان وجود لایه پنهان گفتمان شرق‌شناسی در تولید این تصاویر پی برد.

از هر عمارت در حدود بیست نمونه کاشی بررسی شده است، اما در جداول تحلیلی فقط نمونه‌هایی که بیشترین بار نشانه‌شناسانه مفهوم شرق‌شناسی را داشته‌اند ارائه شده‌اند. بنابراین، چنانچه کاشی‌های هر عمارت را خوشه‌ای از نمونه‌ها در نظر بگیریم، انتخاب نمونه‌های نهایی با توجه به منطق پژوهش غیرتصادفی بوده است.

روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، همراه با مشاهدات نویسنده از نمونه کاشی‌های باستان‌گرایانه قاجاری از عمارت‌های شیراز بوده است. علت انتخاب این نمونه‌ها، در درجه نخست، امکان ظهور کاشی‌هایی با نقوش انسانی باستان‌گرایانه در بناهای غیر مذهبی چون عمارت‌ها و نیز نزدیک‌بودن شیراز به کانون اصلی فعالیت‌های باستان‌شناسانه با گرایش‌های شرق‌شناسی بوده که امکان تحت‌تأثیر قراردادن هنرمندان این خطه از نقوش باستانی را بیش از دیگر نقاط ایران فراهم می‌کرده است.

پیشینه پژوهش

در حوزه کتب ایرانی می‌توان به کتاب‌هایی چون تاریخ تمدن و فرهنگ ایران اسلامی (دوره قاجاریه) در دو جلد از احمد تاجبخش (۱۳۸۰) اشاره کرد که در آن به عناصر نمادین کاشی‌های قاجار توجه شده است؛ همچنین، کتاب نقاشی روی کاشی از هادی سیف (۱۳۹۲) و کتاب ارزشمند کاشی‌کاری قاجار تألیف محمدرضا ریاضی (۱۳۹۵).

در این زمینه مقالاتی نیز وجود دارد که به‌طور خاص به موضوع تصاویر کاشی‌های قاجار پرداخته‌اند؛ از جمله مقاله «بررسی و طبقه‌بندی موضوعی نقاشی‌های دیواری باغ ارم شیراز دوره قاجاریه» (شکوهیان و شیرازی، ۱۳۸۹) که موضوعات تصاویر تزئینی باغ ارم را به سه دسته اساطیری و باستانی، داستانی، و نقوش تزئینی تقسیم کرده است. مشابه چنین موضوعاتی را می‌توان در تصاویر و کاشی‌کاری‌های دیگر بناهای قاجار نیز تشخیص داد.

زارعی و حیدری باباکمال (۱۳۹۵) در مقاله «تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی‌های قاجاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه» به شناسایی منشأ تصویری برخی کاشی‌های قاجار،



مدنظر پژوهش نیز صادق است. با توجه به آن که نشانه‌های مدنظر پژوهش از نوع تصویری است، شایان ذکر است که رولان بارت^۲ برای نخستین بار نشانه‌شناسی تصویری را مطرح کرد. از آنجاکه هر تولید انسانی از جمله هنر مربوط به دوره‌های تاریخی است که ارزش‌ها و تمدن آن دوره را به‌عنوان نتیجه حساسیت و تفکر جمعی می‌نمایاند. (Morris, 1946: 72)، از طریق تأویل نشانه‌شناسانه آثار هنری می‌توان به لایه‌های پنهان در اثر که در خلق آن مؤثر بوده‌اند پی برد.

طبقه‌بندی سه‌گانه نشانه‌های شمایی^۳، نمایه‌ای^۴ و نمادین^۵ را پیرس انجام داد. این تقسیم‌بندی به بیان نوع ارتباط دال و مدلول (نشانه و مفهوم آن) می‌پردازد. کیفیت نشانه‌های شمایی بر اساس شباهتشان با ایزه بررسی می‌شود (Liszka, 1996: 37). نشانه نمادین به‌صورت قراردادی با مصداق خود پیوند دارد (ایگلتن، ۱۳۹۰: ۱۳۹). نشانه نمایه‌ای نیز ارتباط فیزیکی یا علی دال و مدلول را می‌رساند (چندلر، ۱۳۹۰: ۲۵) و باید اطمینانی قطعی از واقعیت و نزدیکی ایزه ارائه دهد (Hooper, 1991: 251).

در خصوص نشانه‌های نمایه‌ای می‌توان چند مطلب را افزود. نشانه مانند سکه‌ای است که دال و مدلول دوروی آن‌اند. در واقع، با این‌که هیچ نوع این‌همانی با هم ندارند، عامل وحدت‌بخشی که سوسور^۶ تجویز فرهنگی می‌نامد آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد (سوسور، ۱۳۹۲). این تجویز فرهنگی تأیید اثر هنری به علت کاربرد نشانه‌هایی پذیرفتنی از نظر فرهنگ زمینه را نشان می‌دهد. این‌ها روابطی هستند میان نشانه‌ها، اشیا یا مفاهیمی که آن نشانه‌ها نمایندگی‌شان می‌کنند. پیوند نشانه‌ای با نشانه از دیگر ویژگی‌های مجاز مرسل است که تداعی آشنایی به موقعیت‌ها و لایه‌های فرهنگی را نشان می‌دهد (مکاریک، ۱۳۹۰: ۴۴۰) و در این پژوهش مجاز موردنظر، پیوند نشانه‌های باستان‌گراییانه با نشانه‌های شرق‌شناسانه در نظر گرفته شده است.

علائمی برای اشاره و محدود کردن بافت نشانه به‌کار می‌رود (Sonesson, 1995: 5) که با تعریف پیرس از خاص بودن و منحصر به فرد بودن نمایه‌ها مرتبط است (Doane, 2002: 92)، زیرا نمایه گنگ نیازمند افزودن متن یا گفتمانی رسا و فصیح است. این مسئله در آثار هنری از طریق افزودن متن، صدا، گفتار یا توالی اجزا انجام می‌شود (krauss, 1986: 219-218). در نمودار ۱، نشانه‌های موردتوجه در تحلیل نمونه‌های مطالعاتی ارائه شده است.

گفتنی است نشانه‌های موجود در این پژوهش و در نمونه‌های بررسی شده هر سه نوع نشانه را در تجویز مفهوم شرق‌شناسی دارند.

2. Rolan Bart
3. Iconic
4. Indexical
5. Symbolic
6. Ferdinand de Saussure

از جمله کاشی‌های باستان‌گراییانه آن پرداخته‌اند. بدین ترتیب، الگوگرفتن از مضامین برخی کتب ملی‌گرایانه مطرح در آن زمان، از جمله آثار جلال‌الدین میرزا قاجار (۱۳۸۹) و فرصت‌الدوله شیرازی (۱۳۷۷) منشأ برخی نقوش حماسی و اساطیری مطرح شده‌اند. از پژوهشگران دیگری که چنین کتبی را بر موضوعات هنری و کاشی‌کاری قاجار مؤثر دانسته‌اند می‌توان به شیرازی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نسخه مصورنامه خسروان و تأثیر آن در هنر دوره قاجار» اشاره کرد. این نسخه نمونه‌ای از سیاست‌های باستان‌گراییانه قاجار را نشان می‌دهد. همچنین، امانت در مقاله «پورخاقان و اندیشه بازیابی تاریخ ملی ایران: جلال‌الدین میرزا و نامه خسروان» به باستان‌گرایی در دوره قاجار پرداخته و نامه خسروان را نخستین نشانه‌گرایی ملی در هنر و ادبیات ایران نامیده است (امانت، ۱۳۷۷: ۶).

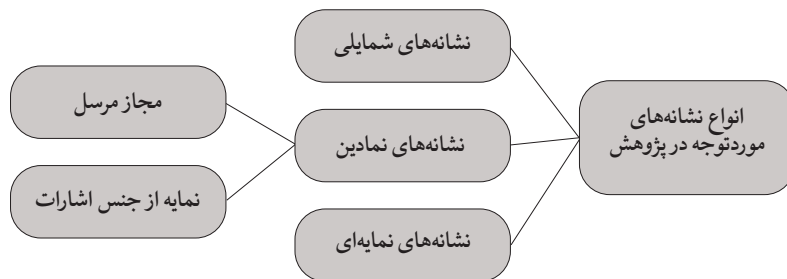
همچنین، مقاله «گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار» (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴) نشان می‌دهد که در این دوره، به علت نفوذ اندیشه هویت‌یابی، گفتمان ایرانی‌ت رشد یافته است. از این‌رو، پادشاهان اسطوره‌ای و تاریخی دوران پیش از اسلام پادشاهان آرمانی در هنر این دوره بازنمایی شده‌اند. در بعضی مقالات همچون مقاله «نگرش عوام به آثار باستانی در دوره قاجار» (رفیعی آتانی و چوبک، ۱۳۹۴)، نگرش عمومی مردم عصر قاجار به آثار باستانی ایران بر اساس منابع داخلی و بعضی از سفرنامه‌های اروپایی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازتاب هنر ایران باستان در تزئینات وابسته به معماری خانه‌ها و کارهای عصر قاجار در تهران» (شخن‌پرانی، ۱۳۸۸) به تأثیرات ایران باستان در هنر قاجار اشاره کرده و وجود جریان باستان‌گرایی در این دوره را تأیید می‌کند. گفتنی است تاکنون پژوهشی نشانه‌شناسانه درباره باستان‌گرایی قاجار و تأثیرپذیری آن از شرق‌شناسی انجام نشده است.

مبانی نظری

نشانه‌شناسی

با توجه به آن‌که رویکرد این پژوهش تحلیل نشانه‌های باستان‌گراییانه کاشی‌های قاجار به‌منظور استخراج مؤلفه‌های احتمالی شرق‌شناسانه است، لازم است در ابتدا به مبانی نظری این مفهوم و ارتباط آن با موضوع پژوهش اشاره شود. نشانه‌شناسی^۱ به معنای علم مطالعه علائم و نشانه‌ها در بطن زندگی است (سوسور ۱۳۹۲، ۲۴). نشانه‌شناسی با هر چیز که نشانه قلمداد شود سروکار دارد و چیزی را به‌جای چیز دیگری بیان می‌کند. این امر در مورد نشانه‌های باستانی

1. Semiotics



نمودار ۱: ابعاد مورد توجه در تفسیر نشانه‌های نمایه‌ای در پژوهش (با استفاده از آرای پیرس، به نقل از کابلی و سببک، ۱۳۹۴)

ایران است (همان: ۶۶) و حتی در همان زمان نیز ایرانیان شرق‌شناسان را به واسطه توجهشان به آثار باستانی می‌شناختند (همان: ۶۴) و این امر محدود به اروپاییان نبود، به گونه‌ای که انگلستان به صورت غیرمستقیم برخی ایرانیان را مأمور فعالیت‌های شناسایی می‌کرد (طرفداری، ۱۳۹۷: ۷۲).^۱

شرق‌شناسان نقش بسیار مهمی را در شکل‌گیری گفتمان هویت (ایرانیت) در دوره قاجار بر عهده داشتند.^۲ یکی از وظایف شرق‌شناسان ترسیم تصاویری از آثار باستانی بود که بعدها در کتب اروپایی نیز منعکس می‌شد (مشیری، ۲۵۳۶: ۶۳). این امر، علاوه بر توسعه بازار آثار عتیقه ایرانی، به شناخت آثار باستانی این کشور از طریق انتشار کتب و نقاشی‌های باستان‌شناسان اروپایی در ایران منجر شد. مثلاً چهره پادشاهان در کتاب نامه خسروان از نمونه آثار هنرمندان اروپایی در این زمینه اقتباس شده است (میرزاقاجار، ۱۳۸۹، ۸).^۳

مجموع تلاش‌های اروپاییان شرق‌شناس در ورود به عرصه جست‌وجوهای باستان‌شناسانه عتیقه‌محور در ایران عصر قاجار با شروع دوره ناصری گسترش بیشتری یافت^۴ و بیش

شرق‌شناسی و مؤلفه‌های آن در هنر دوران قاجار

در این پژوهش، مفهوم شرق‌شناسی عاملی اصلی در شکل‌گیری گفتمان ملی‌گرایانه و به صورت باستان‌گرایانه آن در کاشی‌های قاجاری معرفی شده است. این مفهوم به معنای دانشی پیرامون مطالعه تاریخ، آداب، زبان‌ها، فرهنگ و تمدن‌های شرقی است (عمر فوزی، ۱۴۱۹: ۳۰). جمعی از پژوهشگران در اشاره به تأثیرپذیری نویسندگان، طراحان و هنرمندان غربی در تقلید و تجسم (پاکباز، ۱۳۸۵: ۲۵۷-۲۵۹) یا به تصویرکشیدن جنبه‌هایی از زندگی مردمان خاورمیانه و فرهنگ شرقی این واژه را ساخته‌اند. بعضاً کاربرد مفهوم شرق‌گرایی درباره کسانی که در آثار خویش به شرق توجه داشته‌اند بار تحقیق‌آمیز دارد (Tromans, 2008: 6). شرق‌شناسی را می‌توان با پدیده استعمار نیز مرتبط دانست، زیرا شیوه‌ای غربی برای تسلط بر شرق است و حاصل آن نادیده‌گرفتن واقعیت شرق و مردم آن است. شرق‌شناسی سبکی غربی برای استیلا، بازسازی و داشتن اقتدار بر شرق است (دالمایر، ۱۳۸۴: ۱۶۲). از نگاه سعید، بنیان نظری استعمار غربی گفتمان شرق‌شناسی است که شرق را مستعد فرودستی و غرب را قادر بر فرادستی ساخت. به این ترتیب، شرق‌شناسی، به عنوان نیروی خستگی‌ناپذیر فرهنگی و سیاسی، فرایند تولید و بازتولید شرق را امتداد می‌بخشد (سعید، ۱۳۸۳: ۱۷). فرادستی غرب در این گفتمان زمینه‌ساز تبعیت مردمان شرق از آرا و افکار غربیان می‌شود، تا جایی که شناخت از خود را تابعی از شناخت غربیان از آن‌ها می‌کنند.

بخشی از تلاش غرب در شناخت شرق نیز معطوف به خاورمیانه و ایران بوده است. این بخش از شرق‌شناسی در قالب واژه ایران‌شناسی ذکر می‌شود (زرشناس، ۱۳۹۱: ۴۳). سابقه ایران‌شناسی طولانی است و در ادواری به صورت مخفیانه و سری انجام می‌شده است. در دوران قاجار شاهد افزایش سفرهای اروپاییان در ادامه جریان ایران‌شناسی و افزایش سیطره آن‌ها بر ایران هستیم. بخشی از فعالیت این گروه‌ها بررسی آثار باستانی و تاریخی ایران بوده است (طرفداری، ۱۳۹۶: ۵۲). نکته مهم در این میان نقش اروپاییان و شرق‌شناسان در اهمیت بخشیدن و برجسته‌کردن توجه به آثار تاریخی و باستانی

۱. همچون فرصت‌الدوله شیرازی که از آثار قدیمی فارس نقشه تهیه کرد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۵۰).

۲. از آن جمله می‌توان به میر جان ملکم (۱۷۶۹-۱۸۳۳ م)، مأمور عالی‌رتبه کمپانی هند شرقی، اشاره کرد که با نوشتن کتابی با عنوان تاریخ ایران، در اوایل قرن نوزده میلادی، ایرانیان را با اسم و فرهنگ پادشاهان مادی و هخامنشی آشنا ساخت (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۷۸). همچنین، از میان پیشگامان جست‌وجوگر آثار باستانی و عتیقه‌های ایرانی در اوایل دوره قاجار، باید از جیمز ژوستین موریه، از اولین کاشفان آثار تاریخی ایران نام برد. او از ویرانه‌های کازرون آغاز کرد و سپس به کاوش در تخت‌جمشید پرداخت. وی در سفرنامه خود مباحث مربوط به توصیف و بررسی بناها و آثار ویران دوران قبل و بعد از اسلام ایران را مطرح کرده است (موریه، ۱۳۸۶: ۴۱۸-۴۱۷).

۳. گفته می‌شود یک نقاش اتریشی، در اوایل قرن نوزدهم میلادی، چهره و اندام پادشاهان ایران را از روی نقوش تخت‌جمشید، سکه‌ها و دیگر نقش‌ها کشید و جلال‌الدین از روی این تصاویر کتاب خود را مصور کرده است (غروی، ۱۳۵۶: ۱۶). به علاوه جلال‌الدین در نمایش نقوش پادشاهان از کتاب‌های پژوهشگران فرانسوی چون آدریان لونیریه (۱۸۴۰ م) و ادوارد توماس (۱۸۵۸ م) استفاده کرده است.

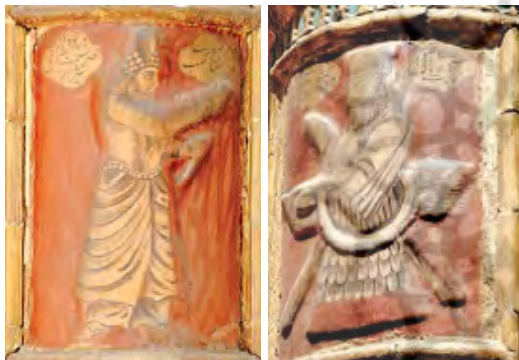
۴. نقطه اوج آن نیز کسب امتیاز انحصاری انجام فعالیت‌ها و کاوش‌های عتیقه‌جات در شوش و سپس در سراسر خاک ایران در عهد ناصری و سپس مظفرالدین‌شاه از سوی فرانسویان بود. می‌توان گفت که نخستین مرمت‌های بناهای تاریخی ایران نیز به دوره سلطنت ناصرالدین شاه مربوط است (شمیم، ۱۳۴۲: ۱-۲).



از همه تخت جمشید مورد توجه قرار گرفت (گابریل، ۱۳۴۸: ۷۸). در اوایل قرن هجدهم میلادی، کرنلیس دو بروئین^۱ با صرف سه ماه وقت خود در تخت جمشید، اولین نقاشی‌های دقیق از ابنیه و کتیبه‌های آن را ارائه داد (همان: ۱۶۲). چنین فعالیت‌هایی در گفتمان شرق‌شناسی از طرف اروپاییان که در کتب علمی و نیز آثار نقاشی انعکاس تصویری می‌یافت، از نظر ایرانیان آشنا با فرهنگ غرب دور نماند به گونه‌ای که کشف محوطه‌های باستان‌شناسی را یکی از دلایل توجه به باستان‌گرایی در جامعه ایران دانسته‌اند^۲ (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۳۳). از آغاز سلسله قاجاریه مفهوم ایرانی‌ت^۳ اهمیت یافت و نوعی بازگشت به گذشته باستانی در بسیاری از امور و هنرهای دوره قاجار دیده شد^۴ (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶) (شکل ۱).

اشتیاق شاهان قاجار به ویژه فتحعلی‌شاه^۵ به هنر ایران باستان، بعد هنری برنامه منسجم و مشخص فرهنگی و تبلیغاتی را تشکیل می‌داد که هدفی جز برابردن عصر فرمانروایی قاجار با دوران ایران باستان و نمایش شکوه و جلال پادشاه قاجاری نداشت (سپهر، ۱۳۴۴: ۱۲۵). بدین ترتیب شاهد تصاویر درباری هستیم که شاه را با آیین‌ها و تشریفات ویژه نمایش می‌دهد^۶ (معیرالممالک، ۱۳۶۲: ۴۸). این امر می‌توانست تا حدی از طریق اتکا به تصاویر شاهان باستانی برآورده شود. بازتاب این تمایل در هنرهای مختلف این دوران به روشنی مشاهده می‌شود (شکل ۲).

شکل ۱: تصویر بهرام چهارم ساسانی در یکی از کاشی‌های تکیه معاون‌الملک (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۵: ۵۵)



شکل ۲: کاشی برجسته در بیمارستان دادگستری تهران، دوره قاجار (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۰)

هنرمندان قاجار به پیروی از فرمان شاهان و دولتمردان به عنوان بانیان اصلی هنر، گرایش آشکار به بهره‌گیری از نقش‌مایه‌ها و عناصر تزئینی به‌کاررفته در هنر ایران باستان داشتند (شکل ۳).

جیان روبرتو اسکارچیا^۷ (۱۳۸۴)، در بخش دوم کتاب هنر صفوی، زند، قاجار، با ذکر دوران سلطنت فتحعلی‌شاه به‌عنوان نخستین مقطع سبک هنری قاجار می‌افزاید: «هنر این دوره از تاریخ ایران باستان‌گرا شد و ضمناً تأثیراتی نیز از غرب پذیرفت» (اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۴۲). بدین ترتیب، در زمان فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه، نقش برجسته‌های دوران هخامنشیان و ساسانیان مورد توجه قرار گرفت. قاجاریان در هر بخش از سرزمین‌های در اختیارشان از ایجاد

1. Cornelis de Bruin

۲. ذکر این نکته لازم است که برخی از محققان آغاز باستان‌گرایی را به دوره‌ای حتی قبل از قاجاریه مربوط می‌دانند؛ از جمله والتر هینتس دوره صفویه را به نوعی آغاز باستان‌گرایی و تجدید دولت ملی در ایران می‌داند (هینتس، ۱۳۶۱: ۵۷-۴۹). بعد از صفوی، زندیه هم در چنین بستری بر طبل باستان‌گرایی می‌کوبیدند. گواه آن را در کاشی‌کاری‌های ارگ وکیل و عمارت کلاه‌فونگی شیراز و نیز آثار لاک‌آبی آن عصر می‌توان یافت (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶).

۳. آنچه مردم این سرزمین را از دیگران متمایز می‌کند.

۴. ازجمله کتاب خسروان‌نامه سیاست‌های باستان‌گرایی در دوره قاجار را نشان می‌دهد (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۴). نویسنده این کتاب جلال‌الدین میرزا قاجار را اندیشه‌ساز فلسفه ناسیونالیسم جدید در کنار فتحعلی آخوندزاده می‌داند (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۰۸-۱۰۹).

۵. به عقیده اسکارچیا، هنر ایران از دوران فتحعلی‌شاه باستان‌گرا شد و تأثیراتی از غرب پذیرفت (اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۴۳).

۶. گفته‌های کولین مردیث سیاح تا حدی دلیل این تمایل متفاوت شاهان قاجار را مشخص می‌کند. به نظر وی، پادشاهان قاجار نه دعوی ظل‌اللهی داشتند و نه چون سلاطین صفوی متکی بر قزلباش وفادار بودند؛ بلکه توسل به تصویر و نقاشی و تمثال شاه برای ایجاد سیمایی رازناک از مشروعیت و اقتدار سلطنتی در اذهان عمومی ضروری بود (Meredith, 1971: 61).





شکل ۳: فرشی با صحنه‌ای از تخت جمشید، ۱۳۲۵ ق. (تناولی، ۱۳۶۸: ۱۵۷)

نقش برجسته‌هایی که منعکس‌کننده هنر ایران باستان بود دیگر از این نمونه‌ها هستند (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۴: کوتاهی نکردند. شهر ری، تنگه واشی، طاق بستان و موارد (۷۵) (شکل ۴).



شکل ۴: کتیبه فتحعلی شاه قاجار (چشمه علی)^۱

بر اساس مشاهدات نگارنده می‌توان مؤلفه‌های هنر باستان‌گرایی قاجار و اشتراکات آن با جریان شرق‌شناسی را در قالبی نشانه‌شناسانه طبقه‌بندی کرد (جدول ۱). گفتنی است که همه نشانه‌های باستان‌گرایی هنر قاجار که قابلیت تأویل شرق‌شناسانه داشته‌اند به نوعی نماد نیز به‌شمار می‌روند؛ نمادی از دل‌گفتمان فرهنگی قاجار یا نمادی برگرفته از سنت‌های کهن و باستانی ایران. بنابراین در این تحلیل به نمادین بودن این نشانه‌ها اشاره‌ای نشده و تأکید بر نشانه‌های شمایی و نمایه‌ای بوده است (جدول ۱). در دسته‌بندی‌ها مؤلفه‌های شرق‌شناسانه‌ای معرفی شده‌اند که ظهورشان بدون فعالیت‌های ایران‌شناسان در شناخت تاریخ باستان ایران ممکن نبود؛ از جمله شناخت و انعکاس شخصیت‌های باستانی ایران، شناخت نقش برجسته‌ها و آثار معماری باستان‌شناسی شده و انعکاس عین‌به‌عین نقوش تزیینی باستانی.



جدول ۱: نشانه‌شناسی مؤلفه‌های هنر باستان‌گرایی قاجار و اشتراکات آن با جریان شرق‌شناسی (نگارنده، ۱۳۹۹)

دسته‌بندی	نمایه‌ای		شمایلی	مؤلفه
	اشاره‌ای	مجاز مرسل		
مؤلفه‌های شرق‌شناسانه همساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار				انعکاس عین به عین نقوش تزئینی باستانی
مؤلفه‌مشارکت‌گفتمان و بافت باستان‌گرایانه قاجار				استفاده از شیوه‌های هنری باستانی چون نقش‌برجسته سنگی
مؤلفه شرق‌شناسانه همساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار				استفاده از مقاهیم مشروعیت‌بخش باستانی چون صحنه دریافت قدرت و نیز تصویر اهورا مزدا
مؤلفه‌های باستان‌گرایانه مشترک با تأثیرات جریان شرق‌شناسی				استفاده از فیگورها و صحنه‌پردازی‌های باستانی در نمایش شاهان قاجاری
مؤلفه شرق‌شناسانه همساز با بافت باستان‌گرایی قاجار				بازنمایی نقش‌برجسته‌ها و آثار معماری باستان‌شناسی شده ساسانی و هخامنشی تا آن زمان
مؤلفه شرق‌شناسانه همساز با بافت باستان‌گرایی قاجار				انعکاس شخصیت‌های باستانی و اساطیری به شیوه‌های به‌روزشده غربی و نگارش نام آن‌ها به‌منظور شناسایی آسان

مؤلفه‌های شرق‌شناسانه در کاشی‌کاری عمارت‌های شیراز

می‌دادند (شکوهیان و شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۹ و ۳۰)؛ ازجمله می‌توان به نقوش کاشی‌های عمارت اربابی عقیق‌آباد^۱، خانه سعادت^۲، عمارت باغ ارم^۳ و خانه عطروش^۴ در شیراز اشاره کرد. همان‌گونه که گفته شد، از هر عمارت حدود بیست کاشی بررسی شد و از آن میان نمونه‌هایی انتخاب شد که به‌صورت نشانه‌هایی نمایه‌ای، نمادین یا شمایل‌ی از باستان‌گرایی تفسیرشدنی بودند. نمونه‌های ارائه‌شده در جدول ۲ گزیده‌ای از مهم‌ترین کاشی‌های باستان‌گرایانه مدنظر است (جدول ۲).

در دوران قاجار، کپی از نقوش باستانی در کنار تصویرسازی‌های ذهنی از آن‌ها در کتاب‌های علمی و تاریخی ایران‌شناسی مرسوم بود (امانت، ۱۳۷۷: ۱۷). به‌تبع و مانند بسیاری دیگر از مضامین کاشی‌های این دوره که از تصاویر اروپایی تقلید می‌شدند، در شیراز نیز تقلید از تصاویر آثار باستانی ایرانی کتب اروپایی مرسوم بود، به‌گونه‌ای که در این دوران تزیین کاخ‌ها و خانه‌های اعیانی با قاب‌بند‌های نقش‌برجسته‌دار و کاشی‌های لعاب‌دار با نقش‌ها و طرح‌های متداول شد که از شاهان ساسانی یا هخامنشی اقتباس شده بود (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸؛ سپهر، ۱۳۴۴، ۱۲۵). شخصیت‌های اساطیری در شاهنامه و پادشاهان الگوهایی برای نقش‌های روی کاشی‌ها بودند (پورتر، ۱۳۸۱: ۸۲).

بافت باستان‌گرایی این دوران در کنار تمایل صاحبان قدرت به کاخ‌های شیراز به سفارش نقاشی‌ها و کاشی‌کاری‌هایی با موضوعاتی باستانی و اساطیر منجر شد. به این ترتیب، نقاشان این بناها، به علت آشنایی با نقوش برجسته و آثار هنری دوره هخامنشی و ساسانی در فارس، مضامین مرتبط را ملموس‌تر و با شباهت بیشتری تصویر می‌کردند. پادشاهان قاجار در پی شکوه و جلال شاهانه، به تقلید از آثار موجود در مناطق مختلف فارس که از دوران هخامنشی و ساسانی به‌جا مانده بود، سفارش آثار مشابه را به هنرمندان

۱. باغ عقیق‌آباد در دوره صفویه از گردشگاه‌های مهم شهر بود. در سال ۱۲۸۴ هـ.ق (۱۸۶۵ م)، به فرمان میرزا علی محمدخان قوام‌الملک، عمارت فعلی در باغ احداث و باغ و درختان نوسازی شد (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). همچنین بر دیوارهای حمام باغ نیز می‌توان نقش‌برجسته‌هایی با مضامین باستانی، از جمله نقش فرهاد در کوه بیستون و دیدار مردم با خسرو پروز ساسانی را مشاهده کرد (خرمایی، ۱۳۸۹).

۲. خانه سعادت مربوط به دوره قاجار است و در بافت قدیم شیراز، خیابان دستغیب، واقع شده است. این اثر به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران شهر ۱۳۸۵). <http://iranshahrpedia.com/static/view/page/cultural-heritage-reports>

۳. یکی از دلایل انتخاب عمارت باغ ارم در این پژوهش، تنوع موضوعی نقاشی‌های دیواری و کاشی‌کاری‌های آن است که شامل دیگر باغ‌های شیراز نیز می‌شود. این باغ در شمال غرب شیراز واقع شده و تاریخ آن به سده پنجم هجری قمری در دوران اتابک قراچه سلجوقی می‌رسد. در دوره ناصرالدین‌شاه تغییراتی در آن صورت پذیرفت (شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۸).

۴. خانه قدیمی محمود عطروش، از نمونه‌های جالب خانه‌های قاجاری از نظر کاشی‌کاری و نقاشی، در بازار حاجی شیراز قرار دارد.



جدول ۲: تحلیل نمونه‌هایی از کاشی‌های عمارت‌های بررسی شده با مضامین باستان‌گرایانه
(با استفاده از شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۹-۴۰ و سیف، ۱۳۷۶: ۱۸۷ و تصاویر نگارنده، ۱۳۹۹)

مکان	شرح	تصویر	مؤلفه	نشانه‌شناسی
عمارت باغ ارم	نقاشی روی کاشی با موضوع باستانی (هخامنشی) با پس‌زمینه منظره	 شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹:۲۹	مفاهیم مشروعیت‌بخش باستانی؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار	نشانه نمایه‌ای، مجاز مرسل
عمارت باغ ارم	کاشی هفت‌رنگ برگرفته از نقش برجسته‌های تخت جمشید	 شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹:۲۹	بازنمایی نقش برجسته هخامنشی؛ انعکاس نقوش تزیینی باستانی؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار	نشانه شمایی
عمارت باغ ارم	هلالی پشت عمارت اصلی باغ ارم	 شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹:۳۰	بازنمایی نقش برجسته هخامنشی؛ انعکاس نقوش تزیینی باستانی؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار	نشانه شمایی
عمارت باغ ارم	سنتوری عمارت، جمشید و مستخدمین. ایده از نقش برجسته تخت جمشید	 شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹:۳۰	اقتباس از نقش برجسته هخامنشی؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار	نشانه شمایی
عمارت باغ ارم	نبرد خیر و شر، نقاشی دیواری، باغ ارم، هلالی اصلی پشت عمارت	 شکوهیان، شیرازی، ۱۳۸۹:۳۲	انعکاس عین‌به‌عین نقوش تزیینی هخامنشی؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار	نشانه شمایی
عمارت عقیق‌آباد	اعطای منصب، مشابه صحنه منصب‌بخشی به اردشیر ساسانی در نقش رستم	 عکس از نگارنده	مفهوم مشروعیت‌بخش باستانی اعطای منصب؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایانه قاجار	نشانه نمایه‌ای از نوع مجاز مرسل
خانه سعادت	صحنه اعطای منصب به شاه قاجار متأثر از نقش برجسته اردشیر اول در نقش رستم	 عکس از نگارنده	استفاده از فیگور و صحنه‌پردازی باستانی در نمایش مشروعیت شاه قاجاری؛ مؤلفه باستان‌گرایی مشترک با تأثیرات جریان شرق‌شناسی	نشانه نمایه‌ای از هر دو نوع مجاز مرسل و اشاره



مکان	شرح	تصویر	مؤلفه	نشانه‌شناسی
خانه عطروش	انتقال حلقه شاهی به شاه قاجار (احتمالاً ناصرالدین شاه)	 عکس از نگارنده	استفاده از فیگور و صحنه پردازی باستانی در نمایش مشروعیّت شاه قاجاری؛ مؤلفه باستان‌گرایی مشترک با تأثیرات جریان شرق‌شناسی	نشانه نمایه‌ای از هر دو نوع مجاز مرسل و اشاره
باشناس	نقش هوشنگ	 سیف، ۱۳۷۶:۱۸۷	انعکاس شخصیت اساطیری به شیوه غربی و نگارش نام شخصیت؛ مؤلفه شرق‌شناسانه هم‌ساز با بافت باستان‌گرایی قاجار	نشانه نمایه‌ای از نوع اشاره

آشکارا در زمینه‌های باستان‌شناسی صورت می‌گرفت و نمی‌توان نشانه‌های مؤلفه‌های شرق‌شناسانه را در این نوع از باستان‌گرایی نادیده گرفت. در میان دلایل باستان‌گرایی قاجار باید عامل مهم شرق‌شناسی را نیز در نظر داشت که خود پدیدآورنده ملی‌گرایی در ایران بوده است (شکل ۵).

جریان شرق‌شناسی در ایران دوران قاجار به افزایش فعالیت‌های علمی باستان‌شناسانه، به‌ویژه درباره آثار باستانی ایران منجر شد. تأثیر این فعالیت‌ها در تقویت جریان شرق‌شناسی و تأثیر غیرمستقیم بر درک ایرانیان از هویت ملی خود، به ایجاد مؤلفه‌هایی در نشانه‌های تزئینی کاشی‌های قاجار منجر شد که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های نشانه‌شناسانه نام برد (شکل ۶).

فقط دو نمونه از پنجاه کاشی بررسی شده، علاوه بر اقتباس از نقشی باستانی، نشانه‌ای از هنر روز را در خود دارند؛ همچون کاشی هوشنگ که مطابق با زیبایی‌شناسی عصر قاجار کار شده است یا نقش گرفت‌وگیر عمارت باغ ارم که در زمینه آن منظره‌های ساختمانی مطابق با سنت هنری قاجاری دیده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

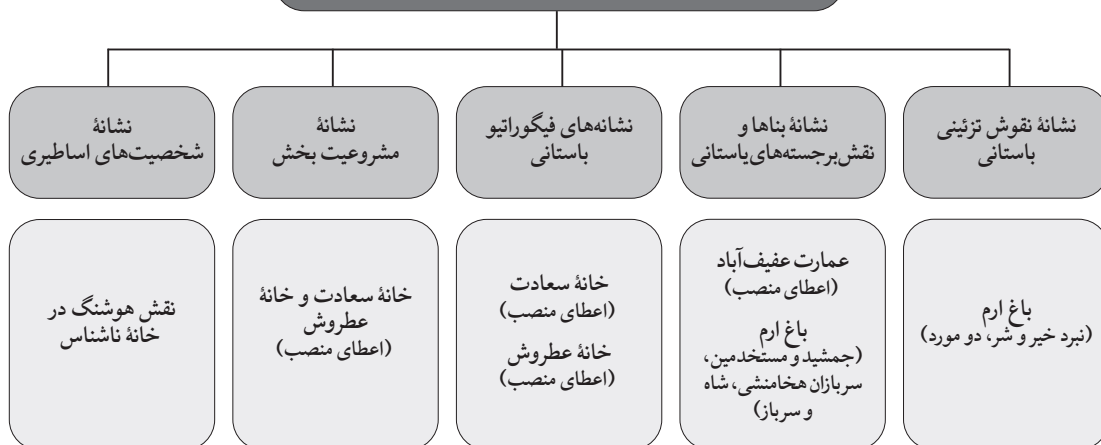
در نمونه کاشی‌های بررسی‌شده عمارت‌های شیراز، احتمالاً دسترسی هنرمندان به آثار باستانی منطقه عاملی برای وفور چنین نقوشی در کاشی‌کاری عمارت‌ها بوده است، اما تمایل هنرمندان به این تقلید را باید در گسترش و نفوذ جریان شرق‌شناسی دانست. در آن دوران، مطالعات شرق‌شناسانه ایران



شکل ۵: یافته‌های پژوهش درباره عوامل مؤثر بر رواج باستان‌گرایی از طریق موج شرق‌شناسی در دوران قاجار (نگارنده، ۱۳۹۹)



نشانه‌شناسی مؤلفه‌های شرق‌شناسانه در نمونه کاشی‌های بررسی شده



شکل ۶: نشانه‌شناسی مؤلفه‌های شرق‌شناسانه در نمونه کاشی‌های بررسی شده در عمارت‌های شیراز (نگارنده، ۱۳۹۹)

دانست که بدون تعارض و در هماهنگی با لایه شرق‌شناسی، از این جریان در جهت مقاصد خود استفاده می‌کرده یا حتی بدین وسیله تقویت می‌شده است؛ به گونه‌ای که نوع شناختی که شرق‌شناسان از هویت ایرانی در فعالیت‌های خود عرضه می‌کردند مورد پذیرش و انعکاس ایرانیان با دغدغه‌های هویتی و ملی‌گرایانه قرار می‌گرفت. بدین ترتیب، در دل بافت باستان‌گرایی این دوران، شاهد تأثیر جریان شرق‌شناسانه در قوت و قدرت این بافت فرهنگی هستیم.

منابع

آدامز، لور یاشنایدر (۱۳۸۸). روش‌شناسی هنر. ترجمه علی معصومی. تهران: نظر.

آدمیت، فریدون (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده. تهران: انتشارات خوارزمی.

اسکارچیا، جیان روبرتو (۱۳۸۴). هنر صفوی، زند و قاجار (از مجموعه تاریخ هنر ایران). ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.

امانت، عباس (۱۳۷۷). «پورخاقان و اندیشه بازیابی تاریخ ملی ایران: جلال‌الدین میرزا و نامه خسروان». ایران‌نامه، شماره ۶۵، ص ۱۸-۲۴.

ایگلتون، تری (۱۳۹۰). پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

ایمانی، الهه، طاووسی، محمود و چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۹۴). «گفت‌وگو باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار». نشریه گلجام، شماره ۲۸، ص ۲۳-۳۸.

بیگدلو، رضا (۱۳۸۰). باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران. تهران: مرکز.

پاکباز، روئین (۱۳۸۵). دایرة‌المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر، چاپ پنجم.

پورتر، ونیتیا (۱۳۸۱). کاشی‌های اسلامی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ

بخشی از فعالیت‌های شرق‌شناسانه در دوران قاجار از طریق انتقال آثار باستانی به خارج از کشور و نیز چاپ تصاویر باستانی در کتب اروپایی انعکاس می‌یافت. روشنفکران ایرانی آشنا با مظاهر فرهنگی غرب تحت تأثیر چنین انعکاساتی که از تفکر شرق‌شناسانه نشئت گرفته بود، تمایل هویت‌طلبانه ایرانی را به سمت و سوی باستان‌گرایی سوق دادند. شرق‌شناسان، از طریق باستان‌شناسی، تصویر دقیق‌تری از پیشینه تاریخی ایران خلق کردند؛ اما این تصویر تنها برداشت غربی از هویت ایرانی و فقط از دریچه آثار باستانی بود. بدین ترتیب، در آن دوران شاهد خلق نشانه‌هایی در هنر، از جمله کاشی‌کاری هستیم که تمایلات باستان‌گرایانه ایرانیان به هویت ایران را از دریچه شرق‌شناسی نشان می‌دهد. بر اساس این یافته‌ها، به این سؤال پژوهش پاسخ داده شده است که چه مؤلفه‌ها و نشانه‌هایی را می‌توان در تشخیص جریان شرق‌شناسی در نمود باستانی‌گرایانه نقوش کاشی‌کاری‌های دوران قاجار تشخیص داد.

بر اساس یافته‌های پژوهش (شکل ۶)، مؤلفه‌های شرق‌شناسانه در نمونه‌های بررسی شده در شیراز شامل نقوش تزئینی باستانی، بناها و نقش برجسته‌های باستانی، مؤلفه‌های فیگوراتیو باستانی، مؤلفه‌های مشروعیت‌بخش و مؤلفه‌های شخصیت‌های اساطیری است. با توجه به روش نشانه‌شناسانه پژوهش، این مؤلفه‌ها عملاً در قالب نشانه‌هایی بررسی شدند که می‌توان در کاشی‌های مورد مطالعه شیراز تفسیر کرد. با توجه به نشانه‌شناسی انجام شده در مورد مؤلفه‌های شرق‌شناسی در نمونه کاشی‌های شیراز و بر اساس پاسخ سوالات، فرضیه پژوهش مبنی بر احتمال ارتباط نشانه‌شناسانه کاشی‌های باستان‌گرای مورد مطالعه، به عنوان نمایه‌ای از جریان شرق‌شناسی در نمونه‌های مورد مطالعه این پژوهش اثبات می‌شود. بنابراین می‌توان باستان‌گرایی را لایه‌ای فرهنگی





- و ارشاد اسلامی.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۰). تاریخ تمدن و فرهنگ ایران اسلامی (دوره قاجاریه). شیراز: نوید شیراز.
- تناولی، پرویز (۱۳۶۸). قالیچه‌های تصویری ایران. تهران: سروش.
- خرمایی، محمدرکیم (۱۳۸۹). شیراز یادگار گذشتگان. تهران: فرهنگ پارس.
- چندلر، دنیل (۱۳۹۰). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.
- دالمایر، فرد (۱۳۸۴). راه‌های بدیل: فراسوی شرق‌شناسی و غرب‌شناسی. ترجمه فاطمه صادقی و نرگس تاجیک. تهران: پرسش.
- رفیعی آتانی، مریم و چوبک، حمیده (۱۳۹۴). «نگرش عوام به آثار باستانی در دوره قاجار، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری (علوم انسانی)». دوره ۲۵، شماره ۱۶، ص ۱۰۵-۱۲۴.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۹۵). کاشی‌کاری قاجار. تهران: یساولی.
- زارعی، محمدابراهیم و حیدری باباکمال، یداله (۱۳۹۵). «تأملی بر تنوع مضامین هنری و منشأ کاشی‌های قاجاری تکیه معاون‌الملک کرمانشاه»، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۲۱، شماره ۴، ص ۵۳-۶۴.
- زرشناس، زهره (۱۳۹۱). درآمدی بر ایران‌شناسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سپهر (لسان‌الملک)، محمدمتقی (۱۳۴۴). ناسخ التواریخ امام حسین (ع). قم: ناصر.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: علم.
- سخن‌پرداز، کامران (۱۳۸۸). بازتاب هنر ایران باستان در تزئینات وابسته به معماری خانه‌ها و کاخ‌ها عصر قاجار در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد تهران.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۳). شرق‌شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سوسور، فردینان دو (۱۳۹۲). دوره زیان‌شناسی عمومی. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- سیف، هادی (۱۳۷۶). نقاشی روی کاشی. تهران: سروش.
- شکوهیان، غلامعلی و شیرازی، علی‌اصغر (۱۳۸۹). «بررسی و طبقه‌بندی موضوعی نقاشی‌های دیواری باغ ارم شیراز دوره قاجاریه»، فصلنامه نگره، دوره ۵، شماره ۱۶، ص ۲۷-۴۱.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۴۲). ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: ابن سینا.
- شیرازی، ماه‌منیر، دادور، ابوالقاسم، کاتب، فاطمه و حسینی، مریم (۱۳۹۴). «بررسی نسخه‌های مصورنامه خسروان و تأثیر آن بر هنر دوره قاجار»، فصلنامه نگره، دوره ۱۰، شماره ۳۳، ص ۶۰-۷۸.
- ضمیران، محمد (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: قصه طرفداری، علی‌محمد (۱۳۹۶). «کاوش‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی در عهد قاجار». مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، دوره ۹، شماره ۳۳، ص ۴۷-۷۰.
- طرفداری، علی‌محمد (۱۳۹۷). «رویکردهای شرق‌های باستان‌شناسان اروپایی در کاوش‌شناسی عهد قاجار»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸، ص ۶۱-۸۰.
- عمر فوزی، فاروق (۱۴۱۹). الاستشراق و التاریخ الاسلامی. عمان: الاهلیه.
- غروی، مهدی (۱۳۵۶). «سیمرغ سفید، نگرشی ژرف در چگونگی استمرار فرهنگی ایران زمین با بررسی شاهنامه فردوسی و نقش و نگارهای در هزار سال گذشته». مجله هنر و مردم، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵، ص ۱۲-۱۹.
- فرصت شیرازی، محمدمنصور (۱۳۷۷). آثار عجم. به کوشش منصور رستگار فسایی، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
- کابلی، پاول و سببیک، توماس (۱۳۹۴). نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی: نشانه‌سازی، ارتباط و زبان. ترجمه راحله گندمکار. تهران: انتشارات سپاه‌رود گابریل، آلفونس (۱۳۴۸). تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران. ترجمه فتحعلی خواجه نوری. تهران: ابن سینا.
- محمدی، علی (۱۳۸۴). شیراز بهشت ایران. شیراز: تخت جمشید.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات. تهران: بعثت.
- مشیری، محمد (۲۵۳۶). شرح مأموریت آجودانباشی. تهران: اشرفی.
- معیرالممالک، دوست‌علی‌خان (۱۳۶۲). یادداشت‌های زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه. تهران: تاریخ ایران.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰). نمایه در دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ویراسته مایکل پین، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه. ترجمه ابوالقاسم سوری. تهران: توس.
- میرزا قاجار، جلال‌الدین (۱۳۸۹). نامه خسروان؛ داستان پادشاهان پارس از آغاز تا پایان ساسانیان. تهران: پازینه.
- هینتس، والتر (۱۳۶۱). تشکیل دولت ملی در ایران. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. ج ۲. تهران: خوارزمی.
- Doane, M. A. (2002). The emergence of cinematic time, modernity, contingency. The archive. London: Harvard University Press.
- Hooper, J. (1991). Peirce on signs, writings on semiotics by Charles Sanders Peirce. London: The University of North Carolina Press.
- Krauss, R. E. (1986). The originality of the avant-garde and other modernist myths. Cambridge: MIT.
- Liszka, J. J. (1996). A general introduction to the semiotics of Charles Sanders Peirce. Indianapolis: Indiana University Press.
- Meredith, C. (1971). "Early Qajar Administration, an Analysis of its Development and

Functions". Iranian Studies, 4, 59-84.

Morris, C. W. (1946). Signs, language and behavior, New York: The University of Michigan

Sonesson, G. (1995). "Indexicality as perceptual mediation". In Pankow, C. (Ed.), Indexicality: Papers from the third bi-annual meeting of the Swedish Society for Semiotic Studies. Gothenburg University.

Tromans, N. (2008). The role of the East. British Orientalist Painting, London: Yale University Press; Illustrated Edition.



**Semiotics of Orientalist
Components in the Archeological Tiles of Qajar Mansions
Case Study of Tiling of Five Mansions from Shiraz**

Faeze Danesh
Golnaz Khashavarz

Abstract

Many arts in Qajar era ,including tileworks, show ancient motifs of Iranian art. Although, the first Pahlavi era is introduced as the historical period of archaism in contemporary Iranian art, but this phenomenon is affected by the historical and social conditions of the Qajar era. The influence of Orientalism and the activities of European archeologists in this thematic trend has been effective in Qajar art. The semiotic approach of Qajar archaeological motifs will help to identify oriental components in the case sample of this study. Qajar tiles are the best context for tracking archaeological trends in Qajar architecture. Examples of ancient tiles from five Qajar mansions in Shiraz have been investigated in this study. The aim of this study was to categorize the archaeological signs of Qajar tiles in order to extract its Oriental components. The Question of this research is, What factors can be considered effective in creating tiles with archaic designs of the Qajar era? Can the current of Orientalism of the Qajar era be considered effective in the appearance of archeology of tile paintings of Qajar era? According to the research hypothesis, probably the flow of Oriental studies during the Qajar period has led to an oriental tendencies on the art of this era. The findings of this study confirmed the hypothesis and determined that orientalist components and signs in the studied samples include ancient decorative motifs, prominent roles and ancient monuments, ancient figurative components, legitimizing components and components of mythological personalities. In addition, direct observation of the results of archeologists' activities in the ancient areas of Shiraz can be considered as one of the factors in the prevalence of archeological motifs in Qajar mansions of Shiraz. In This study, with analytical and descriptive method and emphasis on layered semiotics, the sample of the considered works of Shiraz mansions has been studied. The method of collecting data was library studies along with the author's observations of the sample of Qajar archeological tiles from Shiraz mansions.

Keywords: Semiotics, Orientalism, Archaism, Tiles, Qajar